قلمرو بهشت Kingdom of Heaven 2005 نقد و بررسی فیلم + تحلیل تکنیکال

مواردی که در فیلم Kingdom of Heaven مورد بررسی قرار می دهیم:

- "جنگ برای صلح" بهترین عنوان برای فیلم ریدلی اسکات
- بررسی روایت تاریخی و حقیقت در قالب قلمرو بهشت
- تحلیل میزانسن و سکانس های مهم فیلم
- شکست نظامی یا پیروزی ایمانی؟!
- مشاهده تریلر فیلم Kingdom of Heaven در انتهای مقاله
- ثبت کامنت و مشاهده نظر سایر دوستان در انتهای مقاله

یک تجربه موفق دیگر

ریدلی اسکات و فیلم های تاریخی

قلمرو بهشت فیلمی است از سازنده اثر ستودني «گلادیاتور»، ریدلی اسکات (به گفته برخی منتقدین داخلی و خارجی از معدود فیلمسازان معاصری که در عرصه سینما، سرش به تنش می ارزد). فیلمساز **فیلم های صنعتی** بزرگ هالیوود یا فیلم هایی به اصطلاح «بیگ پروداکشن» که در ظاهرش آنچنان هم چنین ادعایی ندارد. فیلمی که می توان در برابر تکنیک پاشی های عاری از سینما و صرفا بُهت آفرین قلابی ، از آن سینما آموخت و درام آفرینی یاد گرفت.

کارگردانی حساب شده، موسیقی فوق العاده و تدوین دقیق-با اینکه هیچکدامشان نمره صد نمیگیرند- از شاخصه های این اثر هستند؛ اثری که بی شک میتوان از آن بعنوان یکی از معدود فیلم های مهم و خوب معاصر یاد کرد. فیلم **قلمرو بهشت** را یک فیلم جنگ تاریخی باید دانست. شاید از لحاظ ساختاری و تکنیک فیلم تنه به تنه گلادیاتور جلو نرود ولی قطعا در داستان و روایط میتوان قلمرو بهشت را از بهترینهای ژانر تاریخی و جنگی دانست.

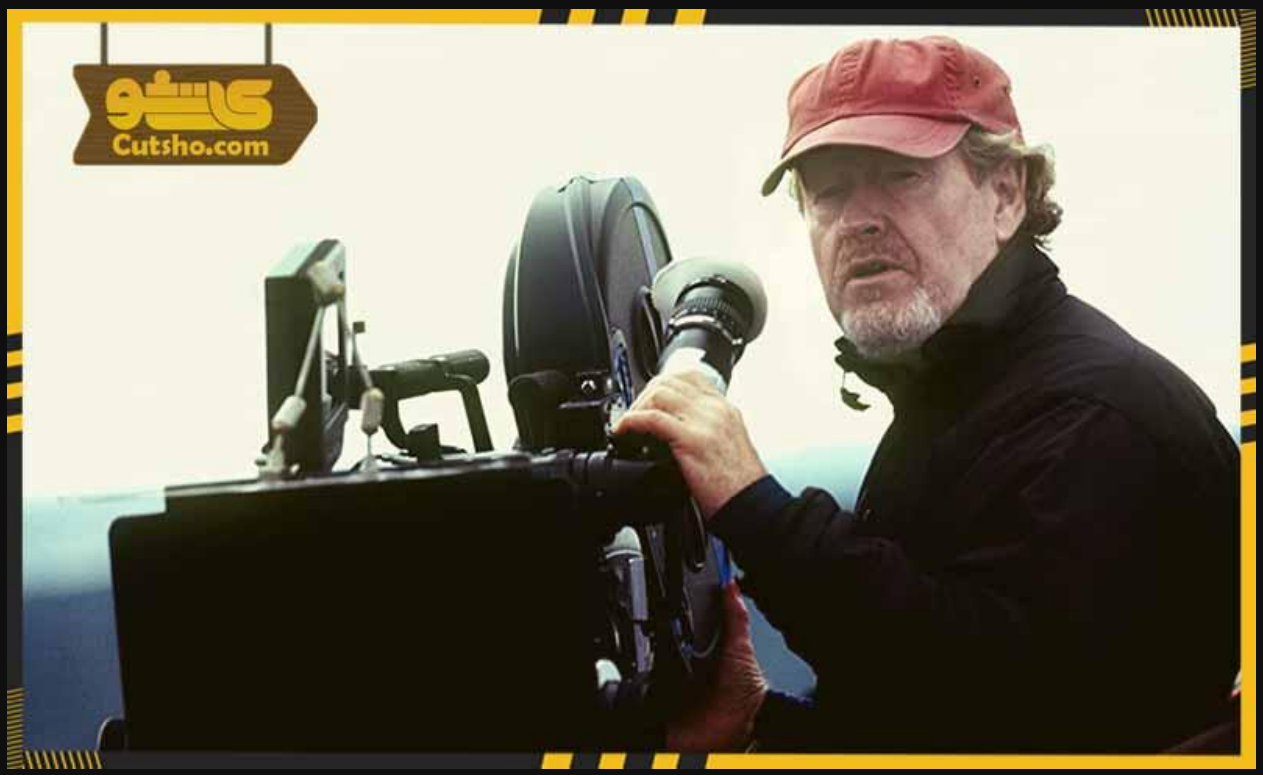

جنگ برای صلح

نقد و بررسی فیلم قلمرو بهشت

»**قلمرو بهشت** «یکی از بهترین و در اصطلاح صداقت خواه ترین فیلم های تاریخی است که می توان به تماشای آن نشست. فیلمی درباره دوره سوم جنگ های صلیبی که بخاطر صداقت طلبی اش، از سوی سینمای قالب آمریکا مورد حمله قرار میگیرد. تا جایی که در اکران، حدود یک ساعت از فیلم را سانسور میکنند (از این نظر، دست سانسورچیان ما را هم از

پشت بسته اند) مهم تر از این مسائل و حواشی ها این است که **قلمرو بهشت** بهترین اثر سینمایی ست که از پیوند ادیان، اتحاد مذاهب و انسانیت نشأت گرفته است.
فیلم قلمرو بهشت هچون نامی که برای آن انتخاب شده است، تماما از خداباوری و یکتاپرستی ساخته شده است، فیلمی انسانی و حقیقت طلب. فیلمی موفق در تصویر کردن گوشه ای از مشی واقعی و **مستند** مسلمانان در میدان جنگ. فیلمی در تعظیم خوی مسلمانی که خود مسلمانان در طول تاریخ سینما نتوانسته اند درصد کوچکی از آن را هم در دفاع و تکریم دین خویش بسازند.

نقد فیلمKingdom of Heaven

بامزه است که کارگردان ایرانی ما، با ریخت و پاش فراوان، فیلمی می سازد درباره پیغمبر اسلام که از تکنیک گرفته تا تفکر، رنگ رهبانیت مسیحی دارد، اما فیلمساز آمریکایی-هالیوودی، ریدلی اسکات بزرگ **Kingdom of Heaven** را می سازد که نگاه و حسی سمپاتیک و بلکه غرور آفرین نسبت به اسلام می آفریند .فیلم، یک صلاح الدین ایوبي سمپاتیک با بازی تحسین برانگیز غسان مسعود- می سازد که در یادمان می ماند. با اینکه صلاح الدین حاضر در تاریخ طبق برخی نقل ها، با عده ای از شیعیان رفتار ناخوشایندی داشت، در حوزه درون دینی و خارج از مدیوم سینما- را فراموش نمی کنیم و قابل نقد می دانیم.
اما از قضا، پرداخت این فیلم به مسلمانان – و صلاح الدین – فارغ از بحث تسنن و تشیع است و حتی لحظه ای سپاه اسلام را، بلحاظ اعتقادی، غیر یکپارچه نشان نمی دهد و اصلا رو به سوی ورود به منازعات مذهبی ندارد .به همین جهت است که مخاطب جهاني فیلم **قلمرو بهشت**، از اسلام، یک امت واحدِ باشرافت، مقتدر، اما صلح جو در ذهن و جانش می ماند که این، کم ارزشمند نیست. از این زاویه، این فیلم در بحث اتحاد شیعه و سنی، و خلق روح و حس این اتحاد در دل تماشاگر نیز اثری است مثال زدنی.

بررسی سکانس های فیلم قلمرو بهشت

تحلیل تکنیکال و میزانسن

صحنه مذاکره صلاح الدین و بیلیان را به یاد آورید که فوق العاده است. بیلیان، در نمایی بسیار دور (اکستریم لانگ)، به سمت صلاح الدین می رود و جایگاه ما دوربین در تماشای این نمای داخل شهر است. ما این نما را از پشت دیوار فروریخته اورشلیم- که حالا چه شکوهمند با دیواری انسانی جایگزین شده است – می بینیم. نمای بعدی که مربوط به آمدن صلاح الدین است، اما در نمایی دور نیست. ما با فیلمساز – در نمایی نزدیکتر (نمای متوسط) پشت صلاح الدین حامی اش ؟) هستیم و همراه با او به سمت بیلیان می رویم کات به نمایی باز هم نزدیک از جلوی صلاح الدین که دوربین به او نزدیک می شود و در قابی نسبتا درشت (متوسط) جلویش می ایستد.

تحلیل فیلم قلمرو بهشت

محصول 2005 آمریکا

این حرکت دوربین (دالی به جلو) عینیت یافتن تمایل فیلمساز – و مخاطب است به کاراکتر صلاح الدین که در عین حال، سمپاتی و همراهی ما و فیلمساز- را با این کاراکتر تشدید می کند. وقتی دوربین می ایستد، صلاح الدین در مرکز کادر است و شنل جنگی اش در اهتزاز. پشت او، سپاهش را می بینیم و در دو سمت قاب، دو سرباز محافظ را. همه عناصر این قاب، در خدمت برپایی ابهت صلاح الدین است. ابهتی که از پس آن حرکت دوربین، دافعه برانگیز که نیست، جاذبه برانگیز هم هست .یادمان نرود که دوربین، به هنگام حرکتش به سمت جلو، وارد سایه ای شد و زیر سقفی پارچه ای آمد که هم اینک نیز بر بالای کادر سایه افکنده است. آن ورود و این سایه، علاوه بر ابهت و جذبه صلاح الدین، حس امنیتی از کنار او بودن نیز در ما ایجاد می کند.

در کلیت سکانس- که تقطیع است بین نماهای آمدن بیلیان به سمت صلاح الدین و برعکس – شاید چنین تصور شود که بعد از نمای مربوط به حرکت صلاح الدین – که از پشت دیدیمش – اینک، این نمای از جلو، که تصویرگر حرکتی به سمت او است، باید زاویه دید بیلیان باشد. اما چنین نیست چون حرکت دوربین، در انتهای این نما، متوقف می شود؛ یعنی اگر دوربین نماینده بیلیان باشد، او باید هم اینک ایستاده باشد، در صورتی که در نمای بعد، وی را می بینیم که هنوز دارد حرکت می کند. پس آن حرکت دوربین و نمای مربوطه اش کاملا مربوط به حس درونی فیلمساز و، از پس او، مخاطب است. بعد از این، دو نما داریم از ایستادن دو فرمانده رودرروی هم.

تحلیل فیلمKingdom of Heaven

نما، دو نفره نیست زیرا بلحاظ حسی، توازنی میان این دو نفر در صحنه برقرار نیست. ما، در عین سمپاتی به بیلیان، اساسا طرف صلاح الدین هستیم که از قضا شخصیت اصلی فیلم هم نیست، اما در صحنه حاضر، مشی او مترقی تر و متمدنانه تر است و این مشی، به درستی، توسط فیلمساز محترم شمره می شود. این احترام در دکوپاژش جاری می شود و صحنه را به صورت رفت و برگشت بین دو نمای تک نفره برگزار می کند. اما مقوله توازن حسی را در همین دکوپاژ نیز رعایت می کند و به میزانسن دست می یابد. در نماهای مربوط به بیلیان، صلاح الدین در گوشه کادر حضور دارد و ما هم همچنان پشت او هستیم، اما نمای صلاح الدین، کاملا مختص خود اوست و همچنان تصویرگر اقتدارش.

تحلیل فیلمKingdom of Heaven

اصلا محور میزانسن، صلاح الدین است. حالا که مذاکره آغاز می شود، کادرها بسته تر می شوند تا تمرکزمان بر مکالمه باشد. نماهای صلاح الدین، همه درشت (کلوز)، اما نماهای بیلیان کمی دورتر (مدیوم کلوز) هستند. باز هم در نماهای مربوط به بیلیان، یک چهارم سمت راست قاب را سر کلاهخودپوش صلاح الدین گرفته است و ما بیلیان را از پشت شانه های او تماشا می کنیم.

این جاگیری در پشت شانه، وقتی در ادامه آن نماهایی که از پشت صلاح الدین بودند قرار می گیرد، دیگر از سطح یک «أورشولدر (O.S.) «عام و تکنیکال – که صدها بار در آثار مختلف سینمایی شاهدش بوده ایم – فراتر می رود و در این لحظه خاص از این اثر خاص به فرم می رسد؛ فرمی که حس سمپاتی و همراهی ما را در این مذاکره، معطوف به صلاح الدین می کند؛ با اینکه ظاهرا در کلام، رجزخوانی از آن بیلیان است (و او نیز غیر سمپاتیک نیست).

یادداشت درباره فیلم قلمرو بهشت ریدلی اسکات

بیلیان می گوید که اگر مجبور به تسلیم شهر شود، پیش از آن، کل شهر را به دست خویش ویران خواهد کرد و سپاه صلاح الدین را ناکام خواهد گذاشت. کات به نمایی نزدیک از چهره آرام و باصلابت صلاح الدین (چهره بیلیان با آنکه مقتدر است، اما آرام نیست). نگاه صلاح الدین از بیلیان به سمت شهر می رود. ظاهرا مسأله اش بیش از ناکام ماندن خویش، آوار شدن آن شهر و آواره شدن مردم است. از همین رو، جمله ای که بر زبان می آورد، این است: «شهر شما پر از زن و بچه است.» در ادامه اما می گوید که اگر سپاه او ویران شود، شهر بیلیان را نیز ویران خواهد کرد. این جمله که خشونت بار است، آیا صرفا رجزی است استراتژیک؟ نمیدانیم چون میزانسن قانع مان نمی کند .فرصتی هم برای دانستنش نیست. پس لاجرم ظاهر خشن جمله کمی ما را پس می راند.

نقد فیلم تاریخیKingdom of Heaven

ترجمه تصویری اش می شود کات به نمایی دو نفره از دو فرمانده که در دو سمت قاب ایستاده اند و در مرکز پس زمینه، آتشی برپاست؛ انگار که حالا با این جمله – و در لحظه بیان آن – حس ما فرقی بین این دو نفر و آتش خشونتشان که در این لحظه مرکزیت یافته (هر چند البته در پس زمینه ی وجودشان است) قائل نیست. اما بلافاصله نوبت می رسد به طرح پیشنهاد صلح طلبانه صلاح الدین. نما دوباره نزدیک می شود. صلاح الدین می گوید که به همه مردم تحت حمایت بیلیان، امان خواهد داد؛ همه انسانها: زنان، بچه ها، سالخوردگان، سپاهیان، پادشاه خشونت طلب مسیحیان- که خداوند عقوبتش خواهد داد – (در اینجا یک کات اضافه و خیلی بد داریم به چهره پادشاه، گی دو لوزینان) و ملکه شان.

در حین برشمردن این عناوین تصویر کات می خورد به تنها نمای تکی از بیلیان (خلوت او با خودش) که متعجب نشانش می دهد. کلامی هم که بر زبان جاری می کند، این است: «اما مسیحیان وقتی وارد این شهر شدند، مسلمانان را تکه تکه کردند!» پاسخ صلاح الدین، با همان چهره آرام و سمپاتیک، کوتاه و به یادماندنی است: «من آنگونه نیستم. من صلاح الدین هستم؛ صلاح دین!» و لبخند می زند (از این مشی و از این صلح، به ذوق آمده است .(در انتها هم، صلاح الدین به زبان اسلام بر بیلیان درود می فرستد و بیلیان هم به زبان مسیحیت پاسخش می دهد. همین یک سکانس سه دقیقه ای، بهترین و ماناترین تصویری است که از یک مسلمان در قاب سینمای جهان به یاد دارم و همینطور از اتحاد ادیان.

شکست نظامی یا پیروزی ایمانی ؟!

نقد فیلم قلمرو بهشت

این فیلم، با رویکردی کم نظیر، جنگی را می سازد که طرفدار هر دو سویش می شویم و از شکست هر دو سپاه ناراحت، و به دنبال پیروزی هر دو هستیم. این پارادوکس، بستر دراماتیک کم نظیری را برای فیلم میسر کرده است. سخت است که وسط میدان جنگ باشی، اما از صلح دم بزنی و هم رخت رزم پوشیدنت بحق باشد، هم حرف از صلح زدنت راست. ریدلی اسکات، با تمام افت و خیزهای فیلمش، توانسته است در حد بضاعت خویش از پس این کار سخت بر آید .**قلمرو بهشت** ، فیلمی است علیه افراطی گری، علیه تجاوز، علیه تحریف و خرافات؛ و حتی در لایه های زیرینش، علیه صهیونیسم، فاشیسم و رویکردهای تکفیری .

قلمرو بهشت فیلمی است در تکریم انسان خداباور در تمایل تصویر کردن شکوه شکست؛ یک شکست نظامی در عین پیروزی ایمانی. البته اسکات، این تم تقریبا همیشگی اش را در «گلادیاتور » موفق تر از همیشه به اجرا در می آورد. هرچند که در «قلمرو بهشت» هم اگر دستش را سانسور غربی نمی بست و می گذاشت در مرحله فیلمنامه، شخصیت ها جاندارتر پرداخت شوند و خودش هم از بازیگران توانمندتری استفاده می کرد و مجبور نبود جای خالی شخصیت پردازی را با پرداختن بیش از حد به صحنه های جنگ و کشتار- که بجای فاصله دادن مخاطب از جنگ و خونریزی، نفس آنها را جذابیت می بخشد و به فیلم آسیب می رساند. چه بسا می توانست در برگزاری آنچه گفته شد، قوی تر و پر مایه تر عمل کند.

جمع بندی

همین حالا در سال 2020 هم اما، «قلمرو بهشت» دیدنی و ستونی است. باید آن را (و «گلادیاتور» را) حتما دید (نسخه کامل ۱۹۴ دقیقه ای اش را) و سرگرم شد و لذت برد تا احساس برآمده از تکنیک و حس برآمده از فرم گاهگاهش، بر جان بنشیند و از پس آن، احیانا بر خرد اثر کند و دوباره، غنی شده، به جان درآید و دیگرش کند که: چون به جان دررفت، جان دیگر شود جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود« **Kingdom of Heaven** » ، چشم به جهان دیگر شده ای دارد که با سلوک مسلمانی می توان در آن، شاهد صلح بود. می شود لباس جنگ در برابر تجاوز و برای اصلاح و به… اقبال لاهوری، جاویدنامه صلاح دین» پوشید، اما صلح را طلب کرد و جنگ خواه نبود و از گسترش عدالت به شوق آمد. می توان برای صلح جنگید و قلمرو بهشت را رقم زد.

نویسنده

احسان آریا

خدمات فیلمسازی استودیو کاتشو

ساخت تیزر تبلیغاتی

ساخت فیلم صنعتی

ساخت فیلم مستند

ساخت موشن گرافیک و انیمیشن

ساخت فیلم مراسم ، فرمالیته و...

خدمات ویدیو مارکتینگ و سوشیال مدیا